

جایگاه زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمود شاطریان*

تحولات منجر به پیروزی انقلاب اسلامی، زنان و به عبارت دیگر نیمه پنهان و خاموش کشور را به جوشش و تکاپو انداخت. انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام (ره) با خارج نمودن زن از ابتدال و بخشیدن هویتی مستقل و تازه، او را در تمامی عرصه‌های اجتماعی، دارای صلاحیتی هم چون مردان قرار داد.

اعتلا جایگاه و منزلت اجتماعی زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو معارف بلند اسلامی تجلی یافته است. حقوق خانوادگی، اجتماعی و سیاسی زنان به روایت قانون اساسی و بررسی وضعیت موجود در این نوشتار، به اختصار بیان گردیده است.

مقدمه

«جنسیت واقعی انکارناپذیر در نظام آفرینش است که افراد انسانی را از همان ابتدای خلقت به دو گروه کاملاً متمایز «زن» و «مرد» تقسیم نموده است. این تمایز از یک سو پایه‌گذار زنجیره حیات بشری و از سوی دیگر، زمینه‌ساز رویارویی و مقایسه پایداری است که پایان آن هیچ‌گاه فرنا خواهد رسید... این تلازم نه تنها تصوّر استقلال و تجرّد «زن» یا «مرد» را به کلی منتفی کند، بلکه یکی از آیات باشکوهی است که متاع روح‌انگیز آرامش، مودت و رحمت را برای همه انسان‌ها فراهم می‌کند. به این ترتیب، برتری و اولویت یکی بر دیگری

* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ترقی.

در آیین فطرت قرار نمی‌گیرد...»^۱ اما واقعیت تاریخ بیان‌کننده حکایت دیگری است. زن علی‌رغم آنکه «مادر تاریخ» محسوب می‌گردد، همواره در حاشیه و در نیمه تاریک قرار داشته است. ظهور دین مبین اسلام و جهان‌بینی آن پیرامون زن و حقوق انسانی او، انقلابی بزرگ و باشکوه در جهان ایجاد نمود. دیری نپایید که تعالیم ارزشمند اسلام و سنت ائمه معصومین - علیهم‌السلام - پیرامون زنان، با کج‌فهمی و برداشت‌های متحجرانه، قیود و محدودیت‌های مضاعفی آن‌هم به نام دفاع از اسلام بر زنان تحویل نمود. از سوی دیگر ترویج ابتذال و بی‌بندوباری در سایه شعارهای فریبنده آزادی و برابری و حقوق بشر، هویت زن مسلمان ایرانی را در آستانه سقوط و تباهی قرار داده بود.

در چنین شرایطی انقلاب اسلامی ایران به رهبری بنیان‌گذار فرزانه انقلاب با درک صحیح از نقش و مسئولیت زنان و برخلاف سنت‌های موجود، آن‌چنان تحولی عظیم در زنان ایجاد نمود که بعضاً انقلاب ایران، «انقلاب چادرها»^۲ لقب گرفت. انقلاب معجزه‌آسای اسلامی ایران و تعابیر کم‌نظیر امام پیرامون مقام و نقش زن و جایگاه واقعی او، دیدگان همگان را روشن‌تر ساخت.

جایگاه زنان از جمله موضوعاتی است که متفکران گوناگون به تناسب علایق و سلیق و تخصص خویش به آن پرداخته‌اند. «مقوله زن، جایگاه و حقوق او» خواه ناخواه پرسش‌های فراوانی را به ذهن متبلور می‌سازد که هرکدام در جای خویش قابل تأمل می‌باشد:

چرا از زنان به طور جداگانه و جدا از مردان بحث می‌کنیم؟ آیا زن حقوقی غیر از مرد دارد؟ آیا زن حقوقی بیش از مرد دارد؟ آیا زن دارای موقعیت خاص فردی و اجتماعی است؟ آیا پرداختن به امور منزل، تشکیل خانواده، تربیت فرزندان و... تنها وظیفه شرعی زن است؟ آیا زن می‌تواند در کنار وظایف مادری و همسری، نقشی همانند مردان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشد؟

نوشتار حاضر تلاش دارد به منظور تبیین حقوق زنان، جایگاه زن در قانون اساسی کشور را در مورد بررسی قرار دهد. قانون اساسی مبین چارچوب‌های اساسی و قانونی است که متضمن آرمان‌ها، ایده‌آل‌ها، اهداف و معیارهای ارزشی حاکم بر جامعه است. این قانون بهترین شناسنامه و گویاترین سند شناسایی کشور محسوب می‌گردد. از آنجاکه چنین قانونی مهم‌ترین و اصلی‌ترین جایگاه را در نظام اجتماعی کشور و قوانین و مقررات آن دارد،

۱. سید محمد هاشمی، «نگرشی کوتاه بر حقوق اجتماعی و سیاسی زنان»، زن و حقوق انسانی، ص ۱۱۷.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «رحمة‌الله علیه»، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی «رحمة‌الله علیه»، ص ۱۱.

آشنایی با جایگاه زنان در قانون اساسی و بررسی حقوق آنان، به عنوان نیمی از پیکره جامعه ضروری است. به نظر می‌رسد جایگاه شایسته و حقوق بایسته زنان در قانون اساسی به روشنی ترسیم شده است؛ اما قوانین و مقررات و واقعیت‌های موجود با آرمان‌ها و اهداف متعالی قانون اساسی فاصله زیادی دارد. مقاله حاضر، با اعتقاد به اینکه زن در کنار وظایف اساسی و طبیعی خویش، با پرهیز از هرگونه افراط و تفریط، می‌تواند در اجتماع حضور یافته و منشأ خدمات ارزنده‌ای گردد و شریعت مقدس اسلام زن را به خاطر عدم صلاحیت، از قبول مسئولیت‌های بزرگ و مشارکت در اجتماع منع نکرده است، جایگاه زن در قانون اساسی را مورد اشاره مختصر قرار داده است.

مبحث اول: کلیات (زن در قانون اساسی)

جای گرفتن عنوان زن در مقدمه و متن قانون اساسی بیانگر اهمیت و نگرش ارزشی تدوین‌کنندگان قانون اساسی به نقش زن و مسئولیت‌های خطیر او است. تصریح به حقوق زنان و به رسمیت شناختن حضور گسترده آنان در جامعه امکان رشد شخصیت و شکوفایی استعدادها و توان آنان را در عرصه‌های گوناگون اجتماع فراهم نموده است. باید توجه داشت در ترسیم حقوق زن، لحاظ نمودن دو عنصر محوری ضروری است: شناخت اصل انسانیت که مشترک بین زن و مرد است و هم‌چنین هویت صنفی زن که تشخیص صحیح آن در صلاحیت خداوند است.^۱

اصول قانون اساسی این دو جنبه را به خوبی مورد توجه قرار داده است. از یک سو نگاه قانون اساسی به زن به عنوان «مادر و همسر» بوده است، یعنی زن به مناسبت مادر و همسر بودن مورد توجه قرار می‌گیرد اصل ۱۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد» هم‌چنین اصل ۲۱ قانون اساسی تصریح می‌نماید: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او. ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و

۱. عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۳۶.

حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست. ۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده. ۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست. ۵. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی، هم چنین زن به دلیل جنسیت خویش مورد اشاره صریح قانون اساسی قرار گرفته است. اصل بیستم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» هم چنین بند چهارده اصل سوم قانون اساسی تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد را از تکالیف اساسی دولت شمرده است.

از سویی دیگر اصول متعدد قانون اساسی حقوق مشترک زن و مرد را در قالب «حقوق ملت» بیان نموده است. این اصول که مبتنی بر کرامت و صلاحیت یکسان زن و مرد، به صورت عام و صرف نظر از جنسیت تدوین گردیده‌اند، زمینه برخوردارگی یکسان از حقوق و حمایت در مقابل قانون را برای زنان هم چون مردان فراهم آورده است. اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی با اعتقاد به اینکه بیشترین ظلم و ستم در طول تاریخ به زنان روا داشته شده است،^۱ با ارائه تصویری روشن از جایگاه زن و موظف نمودن دولت به ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او، بستر مناسبی برای رشد و شخصیت و تعالی زن مسلمان ایرانی فراهم نموده‌اند. بدیهی است سهم عمده‌ای از این جهش ناگهانی مربوط به دیدگاه بدیع امام خمینی -رحمة الله علیه- و کسانی بود که با درک صحیح تعالیم اسلام و لحاظ نمودن مقتضیات زمان، زمینه حضور زنان را فراهم ساخته و به تبیین حقوق آنها پرداختند. شهید مطهری در این خصوص آورده‌اند: «منطق اسلام یک منطق معتدل است. بعد از این هم جامعه اسلامی و جمهوری اسلامی بدون شرکت زن‌ها قابل دوام نیست، در پیش‌نویس قانون اساسی برای زن‌ها موقعیت بسیار به جا و مناسبی پیش‌بینی شده است... من هنوز آن پیش‌نویس را ندیده‌ام که بخواهم از روی دیده خودم اظهار نظر بکنم، هنوز فرصت نکرده‌ام،^۲ ولی اجمالاً می‌دانم که چنین است. من در پاریس وقتی که در جلسه خلوتی در خدمت امام بودم و صحبت می‌کردم، داشتم مسائلی را که امروز مطرح

۱. مقدمه قانون اساسی.

۲. هر چند شهادت آن بزرگوار مانع از حضور ایشان در مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی گردید، اما آثار متعدد استند، تأثیر عمده‌ای بر محتوای قانون اساسی دارد. نکته دیگر آنکه مقاله ناتمام «نقش بانوان در تاریخ معاصر ایران» آخرین اثری است که استاد در حال نگارش آن بوده است.

است یک‌یک بیان می‌کردم تا یکی دو تایش را گفتم فرمودند: مسئله زن، دیدم خود ایشان بیش از اینکه من توجه داشته باشم به این مسئله توجه دارند...»^۱

مباحث بعدی این مجموعه، حقوق خانوادگی، اجتماعی و سیاسی زن را بررسی می‌نماید. روشن است گستردگی مطالب پیرامون موضوعات فوق به حدی است که پرداختن به هر کدام مستلزم تحقیق و پژوهش جامع و جداگانه است؛ اما هدف از این نوشتار ارائه تصویری کلی از مقوله زن در قانون اساسی است.

مبحث دوم: حقوق خانوادگی

حقوق خانواده یکی از مباحث مهم مربوط به حقوق زنان می‌باشد که تنها جنبه حقوقی ندارد، بلکه آمیخته با مسائل مذهبی، اخلاقی و اجتماعی است. اهمیت حقوق خانواده تا حدود زیادی ناشی از ارزش و مقام والای نهاد خانواده در اسلام می‌باشد. خانواده به عنوان هسته مرکزی اجتماع، کانون حفظ آداب و رسوم و سنن دینی و اخلاقی و مرکز رشد عواطف و احساسات است. قانون اساسی با تأکید بر اهمیت نهاد خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان، اصولی را پیرامون آن تدوین نموده است که از جمله امتیازات و محاسن آن به شمار می‌آید.

اصل دهم که یکی از مترقی‌ترین اصول قانون اساسی محسوب می‌گردد، ارزش معنوی و روح الهی حاکم بر نهاد خانواده را فراتر از جنبه‌های اقتصادی و جنسی مورد تأکید قرار داده است.

هم چنین اصل ۲۱ قانون اساسی به منظور حفظ و ثبات نهاد مقدس خانواده و جلوگیری از تزلزل آن، به تصویب رسیده است. هدف عمده آن بوده است که برنامه‌ریزی‌ها و جهت‌گیری‌ها در سایه تعالیم اسلامی به منظور تقویت این نهاد و رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌های همیشگی بانوان، صورت پذیرد.^۲ اصل بیست و یکم با تأکید بر اهمیت نقش زن به عنوان همسر و مادر، تدابیری جهت حفظ حقوق و حمایت از زن بیان کرده است. هرچند تلاش‌های درخور تحسینی در جهت احقاق حقوق زن و جلوگیری از ستم و اجحاف بر زن و احیا هویت زن مسلمان ایرانی صورت پذیرفته است، اما با توجه به نیازها و مقتضیات فعلی، موانعی جدی در راه احیا و احقاق حقوق مادی و معنوی زنان در راستای اصول قانون

۱. مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۶۴.

۲. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۱۸۸ و ج ۳، ص ۱۵۰.

اساسی وجود دارد. متأسفانه امکانات لازم و زمینه‌های مساعد جهت نیل به تشکیل خانواده‌ای که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان باشد فراهم نشده است. از سوی دیگر آسان نمودن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و تنظیم روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی نه تنها محقق نگردیده است، بلکه بعضاً برنامه‌ریزی‌ها و خط‌مشی‌ها بر خلاف این مسیر بوده است، کم‌رنگ شدن حاکمیت ارزش‌های معنوی، بالارفتن سن ازدواج، ازدواج‌گزیزی جوانان، رشد فزاینده طلاق، فرار دختران، پایین آمدن سن بزهکاری نوجوانان... مؤید این مطلب است. فاصله آشکار میان اصول قانون اساسی و واقعیت‌های موجود، راه دشوار و مسئولیت‌سنگین دولت و جامعه را جهت نیل به اهداف آرمانی و متعالی قانون اساسی به اثبات می‌رساند.

مبحث سوم: حقوق اجتماعی

«حقوق اجتماعی در یک معنای محدود، به حقوقی گفته می‌شود که فرد آن را به عنوان اینکه عضو جامعه است و با فعالیت شخصی و حرفه‌ای خود و یا با به‌کارگیری داریی خود در اجتماع تأثیر می‌گذارد، دارا می‌باشد و در یک معنای وسیع‌تر حقوق اجتماعی به یک سلسله حقوقی اطلاق می‌شود که به منظور رفع بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی برای فرد شناخته شده است، و این بی‌عدالتی‌ها ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و محیطی است که فرد در آن زندگی می‌کند»^۱.

در اسلام، زنان هم‌چون مردان در مسائل اجتماعی پایگاه و جایگاه مناسبی دارند و از حرکت‌های اجتماعی و بهره‌برداری از حقوق اجتماعی محروم نگردیده‌اند. مقوله حضور اجتماعی زنان که اشتغال یکی از مصادیق آن است، از جمله موضوعاتی است که راه افراط و تفریط پیموده است. از یک‌سو، برخی با برداشتی سخت‌گیرانه و با استناد به آیات قرآن، مجوس بودن زن در خانه و پرداختن به وظایف خانوادگی را تنها وظیفه زن قلمداد می‌کنند و از سویی دیگر، مشتاقان رفع تبعیض جنسی و سینه‌چاکان آزادی و تساوی، با توجیحات گوناگون، زمینه اختلاط و مفاسد اجتماعی را فراهم می‌آورند. «اسلام با همه توجهی که به خطر شکسته شدن حصار عفاف دارد - همان‌طور که روش این آیین پاک خدایی است که یک آیین معتدل و متعادل است و از هر افراط و تفریطی به دور است و امتش را «امت وسط»

۱. دین‌جوهر طباطبایی مؤتمنی، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ص ۱۳۹.

می خواند - از جنبه های دیگر غافل نمی شود. زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود از شرکت در اجتماع نهی نمی کند... آنچه اسلام می گوید نه آن چیزی است که مخالفان اسلام، اسلام را بدان متهم می کنند؛ یعنی محبوسیت زن در خانه، و نه نظامی است که دنیای جدید آن را پذیرفته و عواقب شوم آن را می بیند، یعنی اختلاط زن و مرد در مجامع... اسلام، با اختلاط مخالف است: با شرکت زن در مجامع ولو با حفظ حریم، اسلام می گوید: «نه حبس و نه اختلاط، بلکه حریم...»^۱ چنانچه ذکر گردید، حضور اجتماعی زن به دور از هرگونه افراط و تفریط و با رعایت «حریم» و پرهیز از اختلاط مورد تأیید اسلام است. قانون اساسی نیز، گستره دخالت ها، حقوق و مسئولیت های اجتماعی افراد، صرف نظر از جنسیت را به روشنی بیان نموده است که در قالب چند بند، مختصراً مورد اشاره قرار می گیرد:

بند اول: آموزش زنان

هدف از ارسال انبیا و نزول کتب آسمانی، خارج نمودن انسان ها از ظلمت جهل و نادانی و رسیدن به نور علم و معرفت است. در شریعت مقدس اسلام، علم آموزی به عنوان فریضه ای الهی بیان گردیده است. در علم آموزی همگانی، کسی مستثنا نمی باشد. تأکید خاص بر علم آموزی زنان بیانگر این نکته است که نیمی از پیکره جامعه به علم و دانش نایل می گردند، از سوی دیگر هرچه سطح دانش و معرفت زنان بالاتر رود، نسل آینده که در دامن آنان تربیت می یابند، رشد نیکوتری خواهند یافت، به علاوه، نقش زنان آگاه و برخوردار از دانش و معرفت در زندگی خانوادگی به عنوان همسر غیر قابل انکار است.^۲

با پیروزی انقلاب اسلامی، تحولی عظیم در جامعه زنان پدید آمد. با حاکمیت ارزش های اسلامی و ایجاد محیط مناسب جهت علم آموزی، زنان تشویق به کسب علم و دانش گردیدند. تعلیم و تربیت در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. بند سوم اصل سوم «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» را یکی از وظایف اصلی دولت بیان نموده است. هم چنین اصل سی ام قانون اساسی مقرر می دارد: «دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

۱. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۲۳ - ۲۴۱.

۲. زهرا آیت اللهی، «زن و دانش»، ماهنامه پیام زن، شماره نهم، ص ۳۱.

در جامعه اسلامی، علم و دانش در انحصار افراد خاصی نیست و همه در این زمینه از حقوق یکسان برخوردارند. اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی^۱ به عنوان اصولی فراگیر تمام محدودیت‌ها را از پیش پای ملت، در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها برداشته و راه را برای برخورداری بانوان از حقوق خویش هموار ساخته است. بنابراین، هیچ محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر جنسیت وجود ندارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طرز تفکر حاکم بر جامعه بر اساس رهنمودهای حضرت امام -رحمة الله علیه- با پرهیز از خودباختگی در مقابل غرب از یک سو و تحجّر و جمود فکری از سویی دیگر شکل گرفت. با اسلامی شدن مراکز تحصیل و دانشگاه‌ها، سیل مشتاقان به سوی دانشگاه‌ها روانه گردید و بانوان هم‌دوش مردان در تمام زمینه‌های علمی، موفق به طی مدارج علمی گردیدند. پیشرفت علمی بانوان و شکوفا گردیدن استعدادهاى فردی و جمعی آنان، آثار و پیامدهای مثبت و ارزنده‌ای در مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه بر جای گزاردده است.^۲

بند دوم: اشتغال زنان

دین اسلام با اشتغال زنان به شرطی که با اصول و معیارهای اسلامی مغایرت نداشته باشد مخالفتی ندارد. اسلام هرگز خواستار انزوای زن در اجتماع نیست، بلکه زن می‌تواند در جامعه اسلامی با حفظ معیارها و ضوابط دست به تلاش و کوشش زده و استعدادهای خویش را شکوفا سازد. اشتغال زنان، در صورتی که با حیثیت و شرافت خانواده مغایرتی نداشته باشد و در چارچوب موازین اسلامی باشد، مورد تأیید اسلام است. اسلام با اشتغال زن تا آنجایی که با شغل اساسی او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده منافات نداشته باشد، موافقت نموده است. یک کشور نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد، اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد.

با تأکید قانون اساسی مبنی بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی»^۳ و تصریح آن به «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و

۱. اصل ۱۹: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند.

اصل ۲۰: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند.

۲. در حال حاضر خیل عظیم فارغ‌التحصیلان و دانشجویان دختر که به دنبال گسترش دانشگاه‌ها صورت پذیرفته است، نگرانی‌هایی را فراهم ساخته است. هم‌چنین کم‌رنگ شدن حاکمیت ارزش‌های اسلامی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی در رواج گسترده فرهنگ غربی که تأثیرات آن در کل جامعه غیرقابل انکار است. جای تأسف بسیار دارد.

۳. بند ۹، اصل سوم.

مرد...^۱ می‌توان به دقت نظر و توجه قانون اساسی به رفع تبعیض میان زن و مرد در زمینه اشتغال پی برد. اصل ۲۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید». هم‌چنین اصل چهل و سوم ضوابط اقتصاد اسلامی را به شرح زیر بیان نموده است: «... ۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند... ۳. برنامه تنظیم اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. ۴. رعایت آزادی انتخاب شغل...» به علاوه اصل چهل و ششم تصریح می‌نماید: «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند» با توجه به قداست مقام مادر و تربیت نسل آینده و مدیریت خانه و با عنایت به اهمیت نقش زنان در فرآیند رشد فرهنگی و توسعه اقتصادی، باید ارزش معنوی و مادی نقش زنان در خانواده و کار آنان در خانه در نظر گرفته شود. قوانین و مقررات کشور پاره‌ای تسهیلات و امتیازات را در زمینه اشتغال بانوان به منظور حمایت از آنان در دو نهاد خانواده و اجتماع لحاظ نموده‌اند، در حال حاضر، زنان در دست‌یابی به مشاغل موجود در کشور، با کمتر مانع و محرومیتی مواجهند. باید توجه داشت سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اشتغال بانوان باید به گونه‌ای باشد که در راستای اصول قانون اساسی خصوصاً اصل ۲۱، زمینه رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای آنان را مهیا سازد. هم‌چنین زمینه حضور بانوان در مشاغلی که پرداختن به آن مطلوب شارع است و از لحاظ روحی و جسمی متناسب بانوان است، فراهم گردد.

بند سوم: مشارکت اجتماعی

مشارکت در عرصه‌های گوناگون اجتماع، حق همه مردم اعم از زن و مرد می‌باشد. دخالت زنان در این امر مهم، تأثیر شگرف و غیرقابل انکاری بر رشد و تعالی جامعه دارد. مشارکت

۱. بند ۱۲، اصل سوم.

فعال، آگاهانه و توأم با حفظ ارزش‌های دینی بانوان، نقش اساسی در پیروزی انقلاب اسلامی و حفظ آن داشته است. باید توجه داشت مشارکت اجتماعی زنان از دو جنبه باید مدنظر قرار گیرد: نخست جنبه مستقیم حضور آنان در اجتماع از قبیل تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت در احزاب سیاسی، حضور در انتخابات، احراز مناصب سیاسی و...؛ جنبه دیگر مشارکت زنان، جنبه غیرمستقیم آن مانند تربیت فرزندان و نسل آینده، تحریک تهییج همسران و خانواده، تکمیل‌کننده فعالیت آنان می‌باشد که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. مقدمه قانون اساسی این مهم را نادیده نگرفته است: «... همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طور چشم‌گیری تعیین‌کننده بود، و مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند، صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد بیانگر سهم عمده و تعیین‌کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود».

قانون اساسی مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت اجتماعی خویش را مورد تأکید قرار داده است. هم‌چنین تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد اعلام گردیده است. از سوی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از برجسته‌ترین مصادیق مشارکت اجتماعی که در متون اسلامی جایگاه رفیعی دارد، بدون حضور بانوان فاقد اثر مطلوب است. نظارت عمومی و مسئولیت، تقابل همگانی ضامن بقا و ثبات نظام اسلامی است. بی‌تفاوتی مردم نسبت به جامعه و سرنوشت آن، انحطاط و سقوط آن را به دنبال خواهد داشت. اصل هشتم قانون اساسی این مهم را مورد تأکید قرار داده است. بدیهی است مشارکت بانوان در اجرای اصل فوق تأثیر چشم‌گیری در کاهش مفاسد و ردایب اخلاقی و تیل به رشد و تعالی جامعه خواهد داشت.

مبحث چهارم: حقوق سیاسی زنان

«حقوق سیاسی آن است که فرد بتواند به عنوان عضو جامعه در زندگی عمومی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمام‌داران و مقامات سیاسی شرکت جوید و یا به تصدی مشاغل، سیاسی و اجتماعی نایل آید و یا در جوامع، آزادانه عقاید و افکار خود به نحو مقتضی ابراز کند»^۱.

۱. منوچهر طباطبائی مؤلف، همان، ص ۱۲۵.

حقوق سیاسی زنان از جمله موضوعاتی است که همواره محل بحث و مناقشه فقها و اسلام‌شناسان بوده است، به گونه‌ای که پیرامون مباحث گذشته، یعنی حضور زنان در امور اقتصادی و اجتماعی این حساسیت وجود نداشته است. موافقان و مخالفان ورود زن در مقوله سیاست و فعالیت در عرصه حکومت، با استناد به آیات و روایات و سنت کوشیده‌اند دیدگاه و نظریه خویش را تبیین نمایند.^۱ غرض از طرح این مبحث آن نیست که زنان را همانند مردان عهده‌دار مسئولیت‌های سنگین حکومتی بدانیم و یکی از وظایف و مأموریت‌های اساسی زن را تصدیٰ مناصب عالی حکومتی بر شمریم که زنان به علت وضعیت جسمانی و روانی خاص خویش و نیز مسئولیت خطیر و طاقت‌فرسای حکومتی عمدتاً تمایل کمتری نسبت به مردان در امور مربوط به حکومت دارند. به علاوه آنان به مقتضای طبیعت که در وجودشان به ودیعه گذاشته شده، هم‌چنان که در قانون اساسی ذکر گردیده است در مرحله اول عهده‌دار مسئولیت سنگین مادری و همسری هستند و در شریعت اسلام، احکامی که زن را بواسطه عدم صلاحیت از پذیرفتن این‌گونه مسئولیت‌ها باز دارد، وجود ندارد. از سوی دیگر، صرف‌نظر از مباحث فقهی و تفسیری گوناگون پیرامون جواز یا عدم جواز حضور زنان در سیاست و حکومت، نظریه قاطع امام خمینی -رحمة الله علیه- به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی مبنی بر حضور گسترده بانوان و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن آنها، به عنوان دیدگاهی که هیچ نظریه فقهی نمی‌توانست در آن برهه حساس با آن مخالفت کند، موجب حذف دیدگاه‌های سنتی و جهشی عظیم در مشارکت سیاسی بانوان گردید. با تأکید بر نقش محوری زن در خانواده و ایفای وظایف ارزشمند مادری و همسری و با اعتقاد به اینکه در اسلام زنان به واسطه عدم صلاحیت از پذیرش مسئولیت‌های سنگین سیاسی منع نگردیده‌اند و همانند مردان حق تصدیٰ بسیاری از مناصب حکومتی را دارند، حقوق سیاسی زنان را به روایت قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بند اول: حضور زنان در قوه مقننه

قوه مقننه نهادی است که ریشه در آرای عمومی دارد. اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود صورت می‌پذیرد.^۲ به علاوه

۱. ر.ک: محمد مهدی نسبی‌الدین، مشارکت سیاسی زن در اسلام، ترجمه محسن عابدی، ص ۶۲-۱۱۱.

۲. اصل ۵۸.

رکن دیگر قوه مقننه در کشور ما شورای نگهبان است، این شورا به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، تشکیل گردیده است.^۱ اهمیت این شورا بدان حد است که مجلس شورای اسلامی بدون وجود آن، اعتبار قانونی ندارد.^۲ از دیدگاه قانون اساسی و نیز مقررات فعلی، هیچ منعی برای عضویت زنان در دو رکن فوق وجود ندارد. چنانچه شاهد حضور نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی و فعالیت آنان در عرصه قانون‌گذاری کشور هستیم، اما تاکنون هیچ زنی به عضویت شورای نگهبان، حداقل به عنوان حقوقدان انتخاب نگردیده است.

شوراهای اسلامی کشور و مجمع تشخیص مصلحت نظام هرچند تحت عنوان قوه مقننه قرار ندارند و نهادهای جداگانه و مستقلی محسوب می‌گردند، اما از آنجا که به نوعی در عرصه تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری مشارکت دارند، به عنوان مبحث فرعی مورد اشاره مختصر قرار می‌گیرد. نظام شورایی مبتنی بر شرع اسلام و شیوه معصومین - علیه السلام - و به منظور عدم تمرکز و انحصار امور در دست دولت و مشارکت دادن مردم در حل مسائل خویش، مورد توجه قانون اساسی بوده است.^۳ پس از فراهم شدن زمینه‌های مساعد، انتخابات نخستین دوره شوراهای اسلامی در سال ۱۳۷۷ برگزار گردید و تعداد قابل ملاحظه‌ای از زنان در آن راه یافتند. هم‌اکنون برای حضور بانوان در این نهاد با اهمیت هیچ مانع قانونی وجود ندارد. مجمع تشخیص مصلحت نظام به ابتکار امام خمینی - رحمه الله علیه - در بازنگری قانون اساسی در قالب اصل ۱۱۲ صورت قانونی به خود پذیرفت. هرچند بانوان تاکنون به عنوان عضو مجمع تشخیص مصلحت معرفی نگردیده‌اند، اما قانون اساسی و نیز آیین‌نامه داخلی مجمع ممنوعیتی مبنی بر حضور بانوان در این نهاد ذکر نکرده‌اند.

بند دوم: حضور زنان در قوه مجریه

قوه مجریه مسئول اجرای قوانین و مقررات مصوب نهاد قانون‌گذاری است. قوه مجریه و به عبارت دیگر هیئت دولت متشکل از ریاست جمهوری، معاونین رئیس جمهور و وزیران، تشکیلات عظیم و سازمان‌های عریض و طویل دولتی را اداره می‌نمایند. قانون اساسی که در مقدمه خویش اهمیت و فلسفه وجودی قوه مجریه را بیان نموده است، اعمال این قوه را از طریق رئیس جمهور و وزرا عنوان نموده است.^۴ در این میان زنان بی‌شماری در بدنه

۱. اصل ۹۱.

۲. اصل ۹۳.

۳. اصل ۷.

۴. اصل ۶۰.

تشکیلات دولتی و حتی در بالاترین سطوح به فعالیت مشغولند. هرچند تاکنون زنی به مقام وزارت نایل نگردیده است، اما هیچ منعی در این خصوص وجود ندارد. حضور گسترده بانوان در مناصب مهم وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی تأکیدی بر شایستگی و لیاقت آنان در اداره امور می‌باشد. تنها موضوع مورد مناقشه تصریح اصل (۱۱۵) قانون اساسی پیرامون اوصاف ریاست جمهوری است. منصب خطیر ریاست جمهوری، گستردگی اختیارات و وظایف آن، حکم می‌کند برای تعیین رئیس جمهور، اوصاف و شرایط ویژه‌ای لحاظ گردد. اصل فوق بیان می‌دارند: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور». عنوان «رجال مذهبی و سیاسی» برداشت متفاوت از معنای آن موجب اختلاف گردیده است. این اصطلاح از یک سو ممکن است صرف نظر از جنسیت (زن یا مرد) معنای اعتباری شخصیت‌های سیاسی و مذهبی را به ذهن متبادر سازد، اما از نظر لغوی واژه رجال به معنای مردان در مقابل واژه نسا به معنای زنان حکایت از آن دارد که داوطلبان ریاست جمهوری حتماً باید از میان مردان باشند. در پیش‌نویس قانون اساسی اشاره‌ای به شرط جنسیت نشده بود، اما در گروه بررسی اصول، شرط مرد بودن نیز بدان اضافه گردید.^۱ در مذاکرات خبرگان تدوین قانون اساسی نیز موضوع از دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته است. دیدگاه اول از آنجا که موضوع قانون را اعمال ولایت و حکومت بیان می‌کند این حق را منحصرأ از آن مردان می‌داند.^۲ از سوی دیگر به اعتقاد برخی، مقام فوق یک قدرت اجرایی است و نه اعمال ولایت.^۳ نایب رئیس مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی (شهید دکتر بهشتی) در خصوص اصل فوق آورده است: «... برای خود من دلایلی که در روایات آورده می‌شود که زن نمی‌تواند زمام‌دار و رئیس جمهور باشد کافی نیست و هیچ وقت هم کافی نبوده است. از ابتدا که در این مسئله به صورت بررسی اجتهادی تحقیق کردم دلایل برایم غیرکافی بوده است...»^۴

از آنجا که اکثریت اعضای مجلس خبرگان، فقها و اسلام‌شناسان بوده‌اند که به طور سنتی، زمام‌داری زن را مغایر شرع می‌دانستند، اصل فوق تصویب گردیده است. شاید بتوان

۱. صورت مشروح... ج ۳، ص ۱۷۶۸.

۲. سید محمد هاشمی، همان، ص ۱۳۸.

۳. همان، ص ۱۷۶.

۴. سید محمد حسین بهشتی، مبانی نظری قانون اساسی، ص ۲۵.

پس‌جیدگی و مسئولیت خطیر و اشتغال دایمی و طاقت فرسای شغل مزبور را دلیل آوردن این قید دانست، اما استناد شرعی و ممنوعیت فقهی برای آن صحیح به نظر نمی‌رسد.^۱

بند سوم: حضور زنان در قوه قضاییه

قوه قضاییه در جمهوری اسلامی ایران به پیروی از تعالیم اسلام، عهده‌دار مسئولیت‌های سنگین درگسترش عدل و داد و احقاق حقوق عامه می‌باشد. موقعیت خطیر و نقش برجسته قضاوت به گونه‌ای است که کمتر فقیهی است که در طول قرون متمادی در آثار خویش به مقام قضا شرایط و صفات قاضی و آیین رسیدگی و صدور حکم اشاره نکرده باشد. قانون اساسی با الهام از شرع مقدس اسلام و با توجه به ظلم و بی‌عدالتی گسترده نظام شاهنشاهی، اصول فراوانی به حفظ حقوق عامه، قضاوت و دادگستری، اختصاص داده است.^۲ دقت و ظرافت این شغل خطیر به گونه‌ای است که در فقه اسلامی، اوصاف و شرایط ویژه‌ای برای احراز مقام قضاوت ذکر گردیده که از جمله آن «مرد بودن» است. برای عدم صلاحیت زنان به دلائل متعددی اشاره کرده‌اند: ۱. آیات و روایات؛^۳ ۲. ویژگی‌های جسمانی و روانی و احساسات قوی و لطیف که مخالف با مسئولیت خطیر قضاوت است؛^۴ ۳. ممنوعیت اختلاط زنان با مردان و لزوم پرداختن بانوان به تربیت فرزندان و...^۵

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به منظور اجرای اصل ۱۶۳ قانون اساسی^۶ قوانین (مقررات استخدای قضات عمدتاً بر مبنای نظریات فوق تدوین گردیده که زنان در دستگاه قضایی جایگاهی نداشتند، هرچند به موجب پاره‌ای از قوانین، حضور زنان در مقام مشاورت قضایی در برخی محاکم مورد تأیید قرار گرفته است که می‌توان از آن به عنوان انعطاف تدریجی تلقی نمود، اما هم‌چنان تفکر سنتی و اجماعی فقها، مبنی بر ممنوعیت قضاوت و صدور حکم از سوی زنان وجود دارد. مسئله مرد بودن قاضی از مسائل تفریعی، اجتهادی و استنباطی فقیهان است و اجماع در آن حاکی از نظر امام معصوم نیست.^۷ از سوی دیگر نظر فقیهان پیرامون صلاحیت زنان در امر قضاوت و صدور حکم، پیش از آنکه مبتنی

۱. رک: نظریات فقهی آیه‌الله صانعی و آیه‌الله موسوی بجنوردی، روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۱۳۱ و ماهنامه حقوق

زنان، شماره ۲۱ و آیه‌الله صانعی، مجمع المسائل، ج ۱ و ۲.

۲. فصل سوم، اصول ۳۲ - ۳۹ و فصل یازدهم، اصول ۱۵۶ - ۱۷۴.

۳. رک: حسین مهربور، مباحثی از حقوق زن، ص ۳۱۳ - ۳۵۸.

۴. اصل ۱۶۳، صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

۵. محمد مهدی شمس‌الدین، همان، ص ۱۰۸.

بر دلایل عقلی و نقلی باشد، مولود نگرش و ذهنیت‌هایی است که در سابق نسبت به زن وجود داشته است.^۱

بدیهی است که تفاوت طبیعی که خداوند در سرشت زن و مرد قرار داده است، هرکدام را برای پرداختن به اموری مناسب‌تر قرار داده است. تدبیر منزل و تربیت فرزندان و پرداختن به مشاغلی که با روحیات زن سازگارتر است برای بانوان زیننده و شایسته‌تر است به گونه‌ای که برداشتن مسئولیت طاقت‌فرسای قضاوت از دوش بانوان به فرض اثبات، خدمتی بزرگ به آنان است، اما نباید با توجیحات غیرمتقن که به صورت سنتی متداول گردیده است زنان را از دستیابی به قضاوت حداقل در امور مربوط به بانوان مانند ازدواج، دعاوی خانواده، طلاق،... محروم نمود. فقه پویای شیعه با در نظر گرفتن تحولات و پیشرفت‌های گوناگون و لحاظ نمودن مقتضیات هر عصر همواره توانسته است خود را با دگرگونی‌های جدید و بروز مسائل بدیع، هماهنگ سازد.

در پایان، باید گفت همان اندازه که اختلاط و روابط ناسالم در اجتماع و ترویج ابتدال و فساد با شعارهای فریبنده آزادی و تساوی، جامعه را به ورطه سقوط و تباهی می‌کشاند، محبوس نمودن زن در خانه و محروم نمودن او از حقوق اجتماعی و سیاسی با برداشت‌های متحجرانه و سطحی‌نگر و با ادعای تبعیت از شرع و سنت، مذموم و زیان‌بار است.

در حال حاضر زنان در زمینه برخورداری از حقوق شخصی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی خویش، آن‌گونه که در این مجموعه، بررسی گردید، با کمتر مانع و محرومیتی مواجهند، اما هنوز محدودیت‌هایی وجود دارد که با دیدی روشن‌بینانه باید هموار گردد تا به فرموده امام خمینی -رحمة الله علیه- «خدای ناکرده اسلام در پیچ و خم‌های اقتصادی، اجتماعی، نظامی و سیاسی، متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد». زن مسلمان ایرانی در چارچوب تعالیم اسلامی هم می‌تواند «انسان» در عالی‌ترین ابعاد آن باشد و هم «زن» که از دامان او مرد به معراج می‌رود....

۱. حسین مهرپور، مباحثی از حقوق زن، ص ۳۵۷.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آیت‌اللهی، زهرا، «زن و دانش»، ماهنامه پیام زن، سال دهم، شماره ۹، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، آذر ۱۳۸۰.
۲. بهشتی، سید محمدحسین، مبانی نظری قانون اساسی، تهران، انتشارات بقعه، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیه‌الله بهشتی، ۱۳۷۸.
۳. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۵.
۴. شمس‌الدین، محمد مهدی، مشارکت سیاسی زن در اسلام، ترجمه محسن عبادی، تهران، چاپ اول، انتشارات بعثت، ۱۳۷۶.
۵. صانعی، یوسف، مجمع المسائل، ج ۱ و ۲، قم، انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۱.
۶. صورت مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سه جلد، تهران مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۷. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ج ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۹. مرکز امور مشارکت زنان، «نگرشی کوتاه بر حقوق اجتماعی و سیاسی زنان»، زن و حقوق انسانی؛ چاپ اول، نشر برگ زیتون، ۱۳۸۰.
۱۰. مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۴.
۱۱. _____، مسئله حجاب، چاپ چهارم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
۱۲. موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ «گفتگو پیرامون شغل‌های ممنوعه»، ماهنامه حقوق زنان، شماره ۲۱، مرکز امور مشارکت زنان، فروردین ۱۳۸۱.
۱۳. مهرپور، حسین، مباحثی از حقوق زن، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۱.
۱۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تبیان هشتم (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی - رحمة‌الله علیه)، تهران ۱۳۷۸.